

شغاف تراژتار

زندگی، هنری استاد جلیل شهناز



فهرست

۱۳	مقدمه
۱۹	فصل اول: زندگی هنری استاد شهناز
۱۹	نابغه تار ایران را بهتر بشناسیم
۲۰	سه دوره هنری زندگی استاد
۲۰	بخش اول
۲۱	بخش دوم
۲۵	بخش سوم
۲۶	گروه نوازی های استاد
۲۸	تک نوازی های دلچسب
۲۸	یک عمر هنر
۳۴	فصل دوم: مکتب اصفهان
۳۴	مکتب غنی اصفهان
۳۷	مکتب اصفهان در نوازندگی استاد
۳۸	موسیقی متکی به شعر و آواز

۳۹	تنوع ملودیک با وجود حفظ وحدت کلی
۳۹	فضای سهل و ممتنع به‌رغم تکنیک بالا
۴۱	الگوهای ریتمیک متنوع
۴۱	روانشناسی مخاطب
۴۲	پیدایش مکتب رمانتیک در تارناوی
۴۴	سبک خاص استاد شهناز
۴۷	فصل سوم: استاد بداهه‌نواز
۴۷	هنر بداهه‌نوازی
۴۹	نغمه‌های غیر تقلیدی
۵۰	نظام منطقی جملات بداهه
۵۰	اصالت دار بودن جملات بداهه
۵۱	پرهیز از جملات تکراری
۵۱	خلق فضاهای متفاوت در یک دستگاه
۵۳	فصل چهارم: حافظانه نوازی استاد شهناز
۵۳	استاد شهناز حافظ موسیقی ایران
۵۴	موسیقی‌شناسی شعر حافظ
۵۹	تشابه شعر حافظ و ساز استاد شهناز
۵۹	ملودی‌های غیرقابل پیش‌بینی
۶۰	اجرای جملات مکمل

۶۱	پرده گیری‌های متمرکز و مدلاسیون‌های بدیع
۶۳	فصل پنجم: ویژگی‌ها و تکنیک‌های نوازندگی استاد شهناز
۶۳	ویژگی‌های نوازندگی استاد
۶۴	ساز قصه پرداز
۶۵	نواهای با احساس و بدون تعصب
۶۶	نظم در جمله‌پردازی
۶۷	تلمیح در نوازندگی
۶۸	نغمات پرصلابت و صمیمی
۶۹	اجرای چهارمضراب بین آواز
۶۹	حالت دادن به گوشه‌ها
۷۰	نواسازی‌های منحصر به فرد
۷۰	ریتم‌شناسی ماهرانه
۷۱	گرفتن سرضرب در جملات پیچیده
۷۱	شفافیت صدای مضراب
۷۲	فیزیک بدنی مناسب
۷۲	استفاده از مضراب‌های بزرگ تر
۷۳	کوک‌های بدیع تار
۷۳	کوک و پرده بندی دقیق
۷۴	حس ضربی غافلگیرکننده جملات

۷۴	جواب آوازه‌های بی‌نظیر
۷۵	چهار مضراب‌های استاد
۸۰	پاره‌ای دیگر تکنیک‌های نوازندگی استاد
۸۳	معرفی انواع کوک برای تار و سه تار
۹۱	فصل ششم: مصاحبه‌های منتشر شده از استاد شهناز
۹۱	مصاحبه بهمن بوستان با استاد شهناز
۹۴	مصاحبه مجله ادبستان با استاد شهناز
۱۰۹	فصل هفتم: گنجینه‌ای برای همه نسل‌ها
۱۰۹	عشق و نیایش در ساز استاد
۱۱۲	آواهای سرزمین مادری
۱۱۴	پیر مغان موسیقی
	فصل هشتم: معرفی و اسامی آلبوم‌های
۱۱۷	منتشر شده استاد شهناز
۱۲۱	فصل نهم: استاد شهناز در بیان استادان فرهنگ و هنر
۱۲۱	حسن کسایی
۱۲۲	محمد رضا شجریان
۱۲۵	همایون خرم
۱۲۶	فرامرز پایور
۱۲۷	علی اصغر شاهزیدی

۱۳۰	هوشنگ ظریف
۱۳۱	کیوان ساکت
۱۳۲	میلاد کیایی
۱۳۳	منصور نریمان
۱۳۴	صدیق تعریف
۱۳۵	سعید مزدک
۱۳۷	سید حسام الدین سراج
۱۳۸	محمدتقی سعیدی
۱۳۹	احمد مراتب
۱۴۱	داریوش پیرنیاکان
۱۴۳	سید علیرضا میرعلی نقی
۱۴۳	عبدالوهاب شهیدی
۱۴۴	داوود گنجه ای
۱۴۵	سید عباس سجادی
۱۴۷	عباس خوشدل
۱۴۸	شهرام میرجلالی
۱۵۰	بهرنگ بقایی
۱۵۴	احمد ادیب
۱۵۵	خسرو احتشامی

مقدمه

موسیقی ایرانی، مانند عرفان مراحل دارد. هر کسی گمان کند که می‌تواند بدون گذر از منازل سلوک، به سر منزل مقصود راه یابد، سر از ترکستان درمی‌آورد. نوازنده نیز همچون سالک در جستجوی غایتی راه می‌سپرد و در وادی عشق، جویای حقیقتی است. آن که ساز خود را به چشم وسیله و اسباب طرب می‌نگرد، از این عوالم چیزی در نمی‌یابد و در بند ظواهر می‌ماند. نوازنده یا خواننده در هنگام نواختن یا خواندن، نظر به جلوه دلدار دارد و خود را با جهان هستی در ارتباط می‌یابد. هنرمندی که در بند شرایط و مقتضیات روز بماند و ارزش‌های اصیل و بنیادی را نشناسد، راه به سوی کمال نمی‌برد. موسیقی سنتی ما با عوالم انسانی، منطبق و هماهنگ است. در حقیقت بدون صدق و صفا، نغمات موسیقی، چیزی بی‌رنگ و بی‌رمق خواهد شد. جانمایه موسیقی ما عشق و اخلاص است.

آنچه به موسیقی سنتی ایران غنا می‌بخشد، تنها مضرب‌های سنجیده و سرپنجه قوی نیست، بلکه شور و حال عرفانی است که به آن، لطف و گیرایی می‌دهد. در گذشته، آموزش موسیقی نیز از همین زمینه‌های معنوی و روحانی مایه می‌گرفت. رابطه استاد و شاگرد، رابطه‌ای عمیق و مبتنی بر ارزشهای معنوی بود. شاگرد، استاد خود را مربی و مرشد خود می‌دانست و استاد نیز در مقابل، به شاگرد خود به چشم یک فرزند معنوی می‌نگریست. جلال و رفعت موسیقی ما به همین معنویت مربوط می‌شود. موسیقی اصیل ایرانی، مکتب صفا، اخلاص، شور و عرفان است.

فصل اول

زندگی هنری استاد شهناز

نایغه تار ایران را بهتر بشناسیم

جلیل شهناز در خرداد ماه سال ۱۳۰۰ در شهر اصفهان و در میان خانواده‌ای هنرمند دیده به جهان گشود. در شهر ترنم و ترانه، در کنار زاینده رود و شهری با کاشی‌های آبی. شهری که استادان مسلمی در حوزه موسیقی را، مانند نایب اسدالله، مهدی نوایی، حسن کسایی، تاج اصفهانی و... را از سال‌های دور تا به حال در دامان خود پرورش داده است.

جلیل از همان اوان کودکی جانش به ساز و نوا کوک شد. ضمیر حساس این کودک با استعداد که جز موسیقی همنشینی دیگری نمی‌شناخت، نمی‌توانست از فضای آن شهر بهشت آسای تأثیر بماند.

تقریباً همه اعضای خانواده وی با موسیقی آشنایی داشتند و همین امر باعث شد او در رشته‌های مختلف هنر از جمله تار، سه تار، سنتور، تنبک، کمانچه، ویولون و همچنین آواز به جایگاه والایی برسد که نمونه‌های موجود از این آثار موید این مدعا است.

جلیل شهناز از محضر پدر و برادر خود استفاده فراوان برد. نواختن تار را در نزد پدرش «شعبان خان» که علاقه وافری به موسیقی اصیل ایرانی داشت و علاوه بر تار

که ساز اختصاصی او بود، سه تار و سنتور هم می‌نواخت و همچنین برادرش « حسین شهناز » و « عبدالحسین شهنازی » آغاز کرد و پس از آن نیز با لطایف و ظرایف خوشنوازی بنام « اکبر خان نوروزی » آشنا شد. ناگفته نماند که « غلامرضا سارنج » استاد کمانچه و داماد خانواده شهناز و « منوچهر سارنج » نیز فرزند غلامرضا نوازنده تنبک و دایی ایشان « رضا خان » نوازنده تار بودند.

پشتکار زیاد و استعداد شگرف جلیل به حدی بود که در سنین جوانی از نوازندگان خوب اصفهان شد. شهناز در جوانی با حسن کسایی آشنا شد که این آشنایی آغاز همکاری بلند مدت آن دو بود. محیط و شرایط خانوادگی و همچنین فضای شهر اصفهان تأثیر بسزایی در به ثمر رسیدن نابغه تار ایران را دارا بوده و بی‌شک، ذوق و قریحه و نبوغ ذاتی وی نیز در شکوفایی و رشد این نوازنده توانای تار تأثیر فراوان داشته است.

سه دوره هنری زندگی استاد

دوران نوازندگی استاد شهناز را می‌توان به سه بخش عمده تقسیم کرد:

بخش اول

بخش اول در شهر اصفهان و تحت تأثیر مکتب موسیقی این شهر است که بیشتر آواز محور بود، زیرا به دلیل تاریخچه سیاسی و مذهبی آن، هنرمندان این خطه برخوردار محافظه کارانه‌تری با ساز داشته‌اند و بیشتر به کلام و آواز پرداخته‌اند. همنشینی با بزرگان موسیقی آن زمان در شهر اصفهان و درک ظرایف این مکتب، هنرمندی چون شهناز را بوجود آورد. درسفری که نوازنده بزرگ تار « علی اکبر خان شهنازی » در سال ۱۳۱۲ به شهر اصفهان داشت با « ملک الشعراى بهار » که در اصفهان در تبعید به سر می‌برده است دیدار می‌کند و بهار اظهار می‌دارد مایل است در وصف تبعیدگاه خود

شعری بسراید که ثمره همکاری این دو هنرمند بزرگ ساخته شدن تصنیف معروف «به اصفهان رو» است که در آن زمان در کنسرتی با صدای تاج اصفهانی اجرا می‌شود و جالب توجه اینکه در آن اجرا جلیل نوجوان با تنبک، علی اکبر خان شهنازی را همراهی می‌کرده و مورد تشویق آن استاد گرانقدر نیز قرار گرفته بود.

تلاش و پشتکار زیادی که جلیل نوجوان از خود بروز می‌داد، موجب پیشرفت سریع وی در موسیقی شد، به طوری که از ابتدای جوانی، خلاقیت و استعداد خود را شهره همگان کرده بود و در زمره نوازندگان مطرح اصفهان درآمد. برنامه‌های متعدد به همراه استاد حسن کسائی و با آواز خوانندگان مشهور آن زمان مثل جلال تاج اصفهانی (از مهمترین نمایندگان مکتب اصفهان)، اسماعیل ادیب خوانساری و سید محمد طاهرپور در رادیو اصفهان و اجراهای خصوصی فراوان با این استادان خود دلیلی بر این مدعا است. جواب آوازه‌های شهناز تحت تاثیر کلام و وزن‌شناسی خواننده و قطعات ضربی نیز متأثر از اوزان شعری و آوازی بود^۱.

بخش دوم

با سفر استاد به تهران و اقامتش به عنوان کارمند افتخاری شهرداری، بخش دوم از زندگی هنری استاد شروع شد. این زمان مصادف بود با پخش برنامه‌های تخصصی موسیقی از رادیو و تلویزیون که جلیل شهناز از تک نوازان بی‌بدیل این دوران بود. امکانات ضبط و استودیوهای تازه به خدمت گرفته رادیو و تلویزیون این فرصت را به ایشان داد تا بتواند با پنجه و مضراب سحرآمیز خویش دل هر شنونده و بیننده‌ای را تسخیر کند.

۱- اصولاً روش نوازندگی استاد در این زمان متأثر از الگوی متداول تارنوازی در آن عصر بوده که البته ایشان این الگو را اندکی با ملاحظه اصفهان ادغام کرده ب